

اصفهان 
۱۶-۲۱ مهر ۱۴۰۰
8-13 Oct. 2021
Isfahan .Iran

پروانه هاکیال

ویژه نامه سی و چهارمین جشنواره بین المللی فیلم های کودکان و نوجوانان

۱۹ مهرماه ۱۴۰۰



مونا فرجاد در صحنه ای از فیلم «بسیار دریا»

**«بسیار» قصه ای از
سیستان و بلوچستان**
پرونده نقد فیلم

پوسترهای سینمایی کودک
گفت و گو با استاد محمد علی حدت
نقاش و پیشکسوت طراحی گرافیک

فیلم های اصفهانی
اکران شده در جشنواره
سی و چهارم

فیلم‌های اصفهانی اکران شده در جشنواره

سی و چهارم

نوجوانان اکران شد. بازیگران این فیلم همه به‌عنوان بازی اولشان در این فیلم هنرنمایی کرده‌اند.

● تیم، فیلمی درباره تلاش

«تیم» فیلم سینمایی بلندی است که در استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد و شهر سامان تصویربرداری شده است، امیرحسین عنایتی، کارگردان و نویسنده این اثر از هنرمندان اصفهان است و تیم را با همکاری شرکت فدک فیلم نقش جهان ساخته است.

داستان فیلم سینمایی تیم نمایش دهنده تلاش‌های دختری به نام تیم با بازی مارال خدادادی را روایت می‌کند که در صد رساندن دارو به مادر نابینایش «ایلمه» با بازی بهنوش بختیاری است. فیلم تیم که مدت آن ۷۶ دقیقه است، در سومین روز جشنواره سی و چهارم در سینما فلسطین برای نخستین بار اکران شد.

● میان صخره‌ها، فیلمی قصه‌گو

فیلم سینمایی بلند «میان صخره‌ها» به کارگردانی مختار عبدالمهدی و تهیه‌کنندگی محمد احمدی در بخش مسابقه سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان حضور دارد، میان صخره‌ها فیلمی قصه‌گو برای مخاطب کودک و نوجوان و درباره خواهر و برادری است که حین بردن گوسفندان به چراگاه، در صخره‌ها گیر می‌کنند و با اتفاقات جالبی روبه‌رو می‌شوند.

فیلم سینمایی میان صخره‌ها در چهارمین روز جشنواره سی و چهارم در سینما ساحل با حضور عوامل این فیلم اکران می‌شود.

● دوچرخه‌باز، تجربه اول فیلم‌سازی مهسا امیری

فیلم کوتاه داستانی «دوچرخه‌باز» تنها فیلم اصفهانی است که در این بخش از جشنواره اکران می‌شود. مهسا امیری نویسنده و کارگردان این فیلم است و دوچرخه‌باز نیز تجربه اول فیلم‌سازی اوست.

«سعید» کودک هفت‌ساله دانش‌آموزی است که آرزوی داشتن یک دوچرخه مانند پسر همسایه را دارد، اما این آرزو مدت‌هاست به دلیل شرایط مالی خانواده دست‌نیافتنی است و زمانی که مطمئن می‌شود پدرش قصد خرید دوچرخه را ندارد می‌کوشد خود به آرزویش برسد.

فیلم دوچرخه‌باز در آخرین روز جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در سینما ساحل اصفهان اکران خواهد شد. گفتنی است آثار بخش کرونا روایت و پویانمایی سی و چهارمین دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در پلتفرم هاشور و به صورت برخط اکران خواهند شد.



در سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، سیزده فیلم اصفهانی در بخش مسابقه جشنواره اکران می‌شود.

به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، سیزده فیلم از اصفهان در این دوره از جشنواره حضور دارند که برخی از این فیلم‌ها در اصفهان ساخته شده و برخی دیگر نیز تهیه‌کننده و کارگردان اصفهانی دارند.

در این بین، پنج فیلم ویدئویی داستانی «اشکنه»، «بلیط»، «راز قلعه»، «تیم» و «میان صخره‌ها» در بخش فیلم‌های بلند سینمایی، فیلم «دوچرخه‌باز» در بخش فیلم کوتاه داستانی، «منتخب»، «آدامس» و «تبلت» در بخش کرونا روایت و «گنج واقعی»، «پرنده‌باز»، «شبح ترسو»، «کیمیگر» و «موزی که می‌خندید» در بخش پویانمایی کوتاه در این دوره از جشنواره حضور دارند. با این آثار بیشتر آشنا شوید.

● اشکنه، فیلمی به نام غذای سنتی اصفهان

فیلم سینمایی بلند «اشکنه» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی وحید پاکزاد از جمله فیلم‌های اصفهانی است. موضوع این فیلم در خصوص دوقلوبی است که از شهر به روستا می‌روند و با دو کودک دیگری که در روستا زندگی می‌کنند، اتفاقات جذابی را رقم می‌زنند.

این فیلم در شهرستان لنجان و در مناطقی مانند باغ بهادران و زرین‌شهر فیلم‌برداری شده است، فیلم‌برداری حدود ۲۵ روز طول کشیده و زمان این فیلم ۹۳ دقیقه است. اشکنه که نام آن برگرفته از نام غذایی محلی در اصفهان و پنج استان دیگر است، در دومین روز جشنواره اکران شد و نشست خبری این فیلم نیز با حضور تهیه‌کننده و کارگردان و بازیگران در سینما ساحل برگزار شد.

● راز قلعه، هنرنمایی فیلم اولی‌ها

فیلم سینمایی بلند «راز قلعه» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی کریم زناسیان در کلهرود و قلعه تاریخی مورچه‌خورت ساخته شده است. این فیلم ماجرای کودکی را تصویر می‌کند که پدرش باستان‌شناس بوده و به دلیل شغل پدر، مجبور شده‌اند خانوادگی به یکی از روستاهای تاریخی مهاجرت کنند و حین ثبت نام و تحصیل در یکی از مدارس این روستا مورد اذیت همکلاسی‌هایش قرار می‌گیرد و به او پیشنهاد می‌دهند برای بهبود رابطه‌شان، باید میخی را از قلعه نفرین شده برای آن‌ها بیاورد که در این زمان ماجراهای جذابی اتفاق می‌افتد.

راز قلعه در اولین روز جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و

فیلم سازان فردا

برگزاری کلاس‌های آموزشی
پنجمین المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان ایران



همزمان با اکران فیلم‌ها در سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، پنجمین المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان فعالیت خود را به‌طور مستمر با برگزاری کلاس‌های آموزشی و نشست‌های انتقال تجربه ادامه می‌دهد.

علیرضا تابش، دبیر سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی کودکان و نوجوانان، روز یکشنبه ۱۸ مهرماه به همراه حبیب ایل بیگی، مدیر المپیاد فیلم‌سازی و محسن دلیلی، مدیر روابط عمومی جشنواره از کلاس‌های هشتگانه پنجمین المپیاد نوجوانان بازدید کردند. علیرضا تابش با نوجوانان شرکت‌کننده به‌صورت برخط گفت‌وگو کرد و در جریان کلاس‌ها، صحبت‌ها و برنامه‌های آموزشی منتورها و مربیان قرار گرفت.

المپیاد فیلم‌سازی به‌عنوان یک رویداد تخصصی برای سنین پایه تشکیل شده است و به نوجوانان اجازه می‌دهد تا ایده‌ها و توانمندی‌های خود را مورد آزمایش قرار دهند و عملکردشان را ارزیابی کنند.

سعید پوراسماعیلی، عضو شورای برنامه‌ریزی محتوایی المپیاد فیلم‌سازی معتقد است مهم‌ترین خروجی این رویداد برای نوجوانان این است بتوانند نگاه خود را به‌واسطه ابزار ساده دوربین موبایل روایت کنند.

کلاس‌های پنجمین دوره المپیاد از روز ۱۷ مهرماه در هشت گروه به نام‌های «کانسپت»، «برتر»، «نگاه»، «ستاره»، «ابرقهرمانان»، «مهرماه»، «هیجان» و «راما» کار خود را آغاز کرد. بابک نکویی (منتور) و شهلا پورآرین (مربی) در گروه کانسپت، فرهاد توحیدی (منتور) و عماد سامانیان (مربی) در گروه برتر، حسین قناعت (منتور) و اشکان چاوشی (مربی) در گروه نگاه، لیلا میرهادی (منتور) و مهدی برزکی (مربی) در گروه ستاره، مرجان اشرفی‌زاده (منتور) و نواب محمودی (مربی) در گروه ابرقهرمانان، امیر فیضی (منتور) و الهام آقاری (مربی) در گروه مهرماه، نادره ترکمانی (منتور) و وحید نامی (مربی) در گروه هیجان و اشکان رهگذر (منتور) و مونا شاهی (مربی) در گروه راما، به آموزش و پرورش توانمندی‌های نوجوانان می‌پردازند. در این دوره ابتدا در هر گروه منتورها درباره اهداف کلاس توضیحاتی ارائه کردند و نوجوانان با توجه به تجربیات خود و کارهایی که تاکنون در زمینه سینما و انیمیشن انجام داده‌اند صحبت کردند و دسته‌بندی آن‌ها انجام شد.



مینا حسن زاده





باید به سمت برگزاری جشنواره‌ای سینمایی در استان‌های مختلف برویم

گفت‌وگو با حسین ریگی، کارگردان «لیبار»



آریانا معتمدیان

● نظر شما درباره سینمای کودک و نوجوان چیست؟

جشنواره کودک و نوجوان و به‌طور کلی سینمای کودک و نوجوان در دهه شصت و هفتاد یکی از مهم‌ترین قسمت‌های سینمای کشور به حساب می‌آمد؛ اما متأسفانه در دو دهه اخیر به آن کم‌توجهی بسیاری شده است. تنها نهادهایی که به‌صورت تخصصی به حمایت این بخش از سینما پرداخته‌اند بنیاد فارابی، جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان و کانون پرورش فکری است.

● عوامل این اتفاق را چه چیزهایی می‌دانید؟

عوامل بسیاری دارد. یکی از آن‌ها را می‌توان وضعیت کنونی کشور دانست. این روزها بسیاری از فیلم‌ها به‌دلیل آسان‌تر بودن مراحل ساخت و تولید، به سمت ژانرهای سیاسی و اجتماعی می‌روند. مردم نیز بیشتر به این دسته از فیلم‌ها کشش پیدا می‌کنند و ترجیح می‌دهند وقت خود را با تماشای این نوع فیلم بگذرانند. از دیگر عوامل می‌توان به تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران اشاره کرد. در ایران و تمام دنیا نشان داده شده است که سینمای کودک و نوجوان سینمای مهمی به‌لحاظ فروش و تأثیرگذاری است؛ اما بسیاری از آن‌ها دغدغه فکری برای کودک و نوجوان ندارند و تنها بازخورد مالی آن را در نظر می‌گیرند.

● ساخت فیلم در استان سیستان و بلوچستان باتوجه به کم‌لطفی‌هایی که در حق آن می‌شود چقدر سخت است؟

دسترسی به سینماها در شهرستان‌های ما معمولاً سخت و

ضعیف است و حتی گاهی امکان‌پذیر نیست. به‌خصوص در استان سیستان و بلوچستان که به‌دلیل دور بودن از مرکز کشور و پایتخت کمی نادیده گرفته می‌شوند. وجود این فضا قطعاً باعث خاموشی استعدادها و بی‌انگیزگی فیلم‌سازان سینمای کودک و نوجوان می‌شود. فیلم‌سازهای خوبی در سیستان و بلوچستان داشتیم که به‌دلیل معیشت و مسائل مالی امروز در مشاغلی مانند کارمند بانک و کارهای اداری مشغول به کارند و از فضای فیلم‌سازی دور شده‌اند. در حال حاضر، با وجود مדיاها، شبکه‌های اجتماعی و اینترنت دسترسی آسان‌تر شده و دست ما برای ارتباط بازتر است، اما هنوز هم جای پیشرفت دارد.

● تأثیر این جشنواره را بر این شرایط چگونه می‌بینید؟

قطعاً برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، به‌ویژه در شهرستان‌ها، می‌تواند تأثیر مثبتی بر این روند بگذارد، اما کافی نیست. ما باید به سمت دسترسی آسان و بیشتر به سینماها و برگزاری جشنواره‌ای سینمایی در استان‌های مختلف برویم.

● چه احساسی از حضور فیلم خود در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان دارید؟

فیلم من برنده شده است. برندگی همین است که فیلم من در اصفهان پخش می‌شود. فیدبک‌های خوبی در تهران گرفتیم. دوستانم از ساری به من پیام دادند و نظر مثبت خود را درباره فیلم به من اعلام کرده‌اند. این‌ها برای من کافی است. من جایزه‌ام را گرفته‌ام.





لیپار، از آرزو تا حسرت



حسین صادقی
(بخش میان رشته‌ای)

دست در دست هم مخاطب نوجوان را آن‌گونه به شخصیت برکت نزدیک می‌سازند که در نمایی که برکت به رسم سینمای هند پای‌کوبی می‌کند با او همراه می‌شود و به وجد می‌آید.

جدا از عوامل درونی، لیپار تکلیف خود را با پرسش‌های همیشگی آثار جشنواره روشن ساخته و این‌گونه برمی‌آید که خود را از جمله آثار «دربارهٔ کودک و نوجوان» تعریف می‌کند تا همچنان جای خالی آثاری که صرفاً برای کودک و متناسب با مختصات جهان او باشد احساس شود.

برکت نمایندهٔ نوجوانانی است که با آرزو و خیال زندگی می‌کنند و بروز و نمایش گهگاه این آرزومندی در این اثر از نکات حائز اهمیت آن است؛ چراکه ادعای آرزو و میل یک مسئله است و بیان هنرمندانهٔ این امر مسئله‌ای دیگر و صحنهٔ فکر و خیال برکت هنگام دست کشیدن بر پردهٔ گچی سینمای متروکه مؤید این موضوع است.

کوتاه‌سخن آن‌که ترکیب عواملی باتجربه و با سابقه و نوجوانانی که نابازیگر و کم‌تجربه‌اند

می‌تواند همچون تیغ دولبه‌ای باشد که به نظر می‌رسد حسین ریگی در مقام کارگردان، به همراه

حسام فرهنگ‌جو در مقام نویسنده و سعید خانی در مقام تهیه‌کننده، توانسته است از پس این امر برآید و نمایی شایسته از سیستان بلوچستان را به نمایش بگذارد.

بدون شک، می‌توان «لیپار» را یکی از جدی‌ترین و مهم‌ترین آثار جشنواره دانست.

از منظر نقش‌آفرینی بازیگران نوجوان و چهره‌های مطرحی همچون هومن برق‌نورد و مهران احمدی تا سازندگانی که هریک کارنامه‌ای درخشان را از خودشان به جا گذاشته‌اند.



دل بستگی و احساس تعلق شاید مهم‌ترین عامل حرکت در آدمی است. امری که از هیجانی عمیق و اصیل نشئت گرفته و مستلزم رفتن و رسیدن است

لیپار داستان نوجوانی است در حسرت دو عشق، یکی عشق مادری که به او گفته‌اند در هند است و دیگری عشق به سینما که از قضا آن را هم می‌خواهد در سرزمین هندوستان دنبال کند و برای رسیدن به این دو آرزو حاضر است هر کاری انجام دهد و در این میان پرده از رازی برداشته می‌شود که همچون آب سردی است بر پیکر بی‌قرار برکت،

شخصیت نوجوان لیپار.

در واقع رسیدن به واقعیت و مواجهه با آن امری است که هرچه مسیر و جریان فیلم در آن پیش می‌رود بیشتر رخ می‌نمایند، تا جایی که در پایان و زمانی که برکت متوجه می‌شود مادرش سال‌های پیش در آتش عشق مالکانهٔ پدرش سوخته است، نقطهٔ پایانی بر جست‌وجوی عشق مادرانه می‌گذارد.

دل بستگی و احساس تعلق شاید مهم‌ترین عامل حرکت در آدمی است. امری که از هیجانی عمیق و اصیل نشئت گرفته و مستلزم رفتن و رسیدن است. صدا زدن پدر با نام کوچک توسط برکت نیز می‌تواند مبین این امر باشد که لیپار بیش از پدر منبع دل بستگی خود را در مادری می‌بیند که در پی اوست. هر چند برکت در پایان و در انتخاب میان بخشش و انتقام تصمیم به بخشش پدر می‌گیرد.

فارغ از سکانس پایانی که چندان چنگی به دل نمی‌زند و پیشنهاد پدر مبنی بر قصاص و انتقام یا بخشش به برکت، دور از لطافت عرضه شده است. عوامل مختلف فیلم‌نامه





واقعیت تلخ، رؤیای شیرین

یادداشتی روان‌شناختی بر «لیپار»

سبب قرار گرفتن هریک از این شخصیت‌ها در دوراهی‌هایی می‌شود. دوراهی پذیرش یا عدم پذیرش واقعیت، گذشتن و شروع زندگی جدید یا حسرت و درنهایت عشق یا نفرت. «پاگل»، آپارتهی سینما، به نظر می‌رسد بعد از عمری، هنوز واقعیت را نپذیرفته است. برای ستار، پدر برکت و گراناز (شعله)، خاله او هنوز کفه نفرت و حسرت سنگینی می‌کند و برکت نیز در تلاش برای تغییر واقعیت است. درنهایت لیپار، روایت سیر تحول همه این شخصیت‌ها با محوریت برکت است؛ تحولی که در آخرین سکانس فیلم خود را نشان می‌دهد. البته این تحول می‌توانست بهتر و با دقت نظر بیشتری نشان داده شود.

در پایان، از نکات قابل توجه فیلم وجود برخی سکانس‌ها و مفاهیم حاوی خشونت و صحنه‌های سیگار کشیدن است. این امر مضاف بر زاویه نگاه فیلم‌ساز و نوع روایت، سبب می‌شود اولین فیلم بلند سینمایی حسین ریگی، در مورد نوجوانان باشد و نه برای آن‌ها.

فانتزی آن چیزی است که سبب می‌شود انسان بتواند ناکامی‌ها را در عالم واقع تحمل کند. برکت مادر خود را از کودکی ندیده و پدرش نیز سخت‌گیر و تا حدودی خشن است. پس پناه بردن به یک فانتزی و واقعی پنداشتن آن چیزی است که می‌تواند یک مادر غایب را برای او به یک مادر ایدئال تبدیل کند. درواقع او به دنبال منبع دل‌بستگی خویش، سفری درونی را در بیرون جست‌وجو می‌کند. هنر و ادبیات عرصه‌هایی هستند که انسان می‌تواند دست‌نیافتنی‌ترین امور را به چنگ آورد و واقعیت را به هر شکل که می‌خواهد، بدون هیچ محدودیتی تغییر دهد. سینما شاید از همین جهت برای برکت حائز اهمیت متفاوت و منحصر به فرد است. جایی که او می‌تواند به هند (که جایگاهی اتوپیا برای او دارد) سفر کند، رقص و شادی بازیگران را ببیند و زندگی‌ای موازی و دورو نزدیک را تجربه کند. در لیپار هرکسی به نوعی با رنجی دست‌وپنجه نرم می‌کند. رنجی که محصول فقدان است و از دست دادن چیز یا کسی. همین امر

حسین ریگی که پیش‌ازاین با مستندهایش در سینمای ایران شناخته شده بود، در اولین تجربه سینمایی خود، «لیپار» را کارگردانی کرده و پا به جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان گذاشته است. این اثر در سیستان و بلوچستان تولید شده و روایتی جهان‌شمول در بستری بومی به مخاطب عرضه می‌کند. قهرمان فیلم که «برکت» نام دارد، نوجوانی است خیال‌پرداز، تا حدودی سرکش و گاه بلوف‌زن که در پی یافتن مادر مفقود خویش، سودای سفر به دیار هندوستان را در سر دارد. او گمان می‌کند که مادرش در کودکی او را رها کرده و به هند سفر کرده تا در آنجا بازیگر شود. اولین مواجهه هر کودکی با دنیای پیرامون خود، مواجهه او با مادر خویش است. مادری که امنیت، خوراک و سایر نیازهای حیاتی او را ارضا کرده و پاسخ می‌دهد. از این حیث مادر رابطه‌ای با کودک برقرار می‌کند که او را واجد ارزشی خاص در زندگی اکثر انسان‌ها می‌کند. از دیگر سو، انسان در صورت عدم ارضای نیازهای خود به دنیای فانتزی پناه می‌برد.



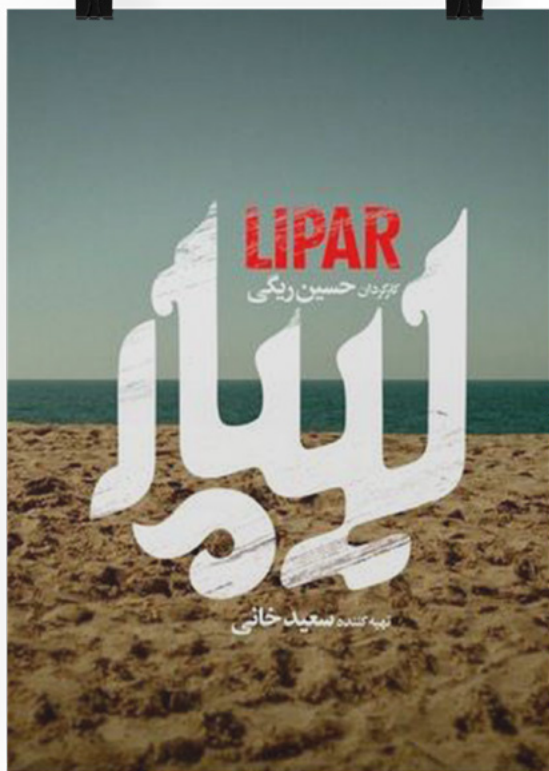
معین مهرعلیان
(بخش میان‌رشته‌ای)



از خیال پردازی و رؤیا پردازی و اهمیت‌های

نداشته باشیم

گفت‌وگو با فاطمه سالاری بازیگر فیلم «لیپار» ساخته حسین ریگی



آریانا معتمدیان

فاطمه سالاری بازیگر فیلم «لیپار» در سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان احساس خود را درباره اولین تجربه بازیگری و راه یافتن به جشنواره این‌طور بیان کرد: اولین تجربه بازیگری من و دوستانم در فیلم لیپار به کارگردانی آقای حسین ریگی بود. این فیلم در سیستان و بلوچستان فیلم‌پردازی شده و من نقش «آشو» را بازی می‌کردم. از همکاری با آقای ریگی و راه یافتن اولین کارم به جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان بسیار خوشحال و مفتخرم.

او در ادامه درباره جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان گفت: سینمای کودک و نوجوان سینمایی است که نیاز به آن بسیار احساس می‌شود. من از حضور در جشنواره‌ای مختص فیلم‌های کودکان و نوجوانان بسیار خوشحالم. در این روزها، اهمیت زیادی به سینمای کودکان و نوجوانان داده می‌شود. جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان با شعار خود، «سینما، سرزمین خیال»، ما را وادار به خیال‌پردازی می‌کند و این پیام را به ما می‌دهد که از خیال‌پردازی و رؤیاپردازی و اهمیت‌های نداشته باشیم و هیچ‌وقت از آن دست نکشیم. در این جشنواره فعالیت‌هایی درباره کودکان و نوجوانان می‌بینیم و این خود باعث مسرت است.

سالاری درباره مطرح شدن دغدغه‌های سایر

مناطق کشور در فیلم‌ها و تأثیر آن بر درک متقابل کودکان مناطق مختلف اظهار کرد: هر فیلمی امکان و توانایی برقراری این ارتباط و درک متقابل را به طور صددرصد ندارد، اما به طور مثال، فیلم لیپار توانسته است این پیام را تا حد زیادی به گوش مخاطبان کودک و نوجوان برساند و بین کودکان مناطق مختلف ارتباط برقرار کند.

در پایان فاطمه سالاری درباره فیلم لیپار به مخاطبان خود گفت: این فیلم نشان‌دهنده جغرافیا و فرهنگ استان سیستان و بلوچستان است. این فیلم را ببینید و هر تصویری را که از استان سیستان و بلوچستان داشته‌اید فراموش کنید. لیپار، نمای جدیدی از استان سیستان و بلوچستان را نشان می‌دهد.



سکانس‌ها به‌کندی پیش می‌رود. لیپار در دوربین هم قوی عمل نمی‌کند و جامپ‌کات‌های بسیار در فیلم، ریتم آن را کند و خسته‌کننده می‌سازد و مخاطب را به بیرون از فیلم پرتاب می‌کند. در نهایت مشکل اصلی لیپار فیلم‌نامه آن است که در کارگردانی هم نتوانسته خوب از آب دربیاید. پرده دوم فیلم از روایت فاصله می‌گیرد و به دنبال سینما پارادیزو می‌رود! در همین جا نیز به یک تعارض فرمی و محتوایی در فیلم برمی‌خوریم که فرم فضای محلی و بومی را همراه می‌کند، اما در متن آن از عناصر مدرن و پست‌مدرن مانند سینما و پلی‌استیشن استفاده می‌شود که به هیچ‌وجه خواسته فیلم و کارگردان نشان دادن این تعارض در فیلم نیست و این عناصر به فیلم‌نامه الصاق شده است.

اگر فیلم‌نامه از زاویه کودک و نوجوان مورد بررسی قرار می‌گرفت و دوربین بیشتر با شخصیت اول همراه بود، شاید اتفاق بهتری رقم می‌خورد، اما در نقطه مقابل بازی‌های بسیار خوب و روان و فضای گرم و دل‌نشین سواحل جنوب شرق کشور به خوبی در این فیلم به نمایش درآمده است. نابازیگرها و بازیگرهایی به خوبی بازی‌هایشان یکدست شده و به اصطلاح کسی بازی ندزیده است. لیپار فیلمی است که در جشنواره امسال ارزش دیدن را دارد و با توجه به بودجه محدودی که در اختیار داشته، نماینده قابل قبولی برای مردم بلوچستان است. درخشش این فیلم در سی و چهارمین جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان می‌تواند انگیزه‌ای برای افزایش ظرفیت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری سینما در استان‌های محروم باشد که یقیناً به پیشرفت سینمای بومی و محلی و در نهایت سینمای ایران منجر خواهد شد.

«لیپار» به کارگردانی حسین ریگی، فیلمی است درباره «برکت»، نوجوان بلوچی که به دنبال مادر خود می‌گردد و در این مسیر با مشکلاتی مواجه است. به گفته کارگردان فیلم، این فیلم درباره کودکان و نوجوانان است، اما مخاطب آن بزرگسالانند. کارگردانی که در کارنامه خود تجربه کارهای داستانی کوتاه و مستند داشته و توانسته از فضای مستندگونه و کوتاه فاصله بگیرد و در اولین تجربه سینمایی خود به سینما نزدیک شود. حسن ریگی کارگردان فیلم، در نشست خبری این فیلم برای این مطلب اذعان می‌کند که شخصیت اصلی در داستان بخشی از زندگی خود او بوده و دغدغه‌های شخصیت با دغدغه‌های خود کارگردان یکی

است. او همچنین به این نکته اشاره کرد که این فیلم ریشه در عشق او و دوستانش به سینما دارد، دوستانی که خیلی‌هایشان نتوانستند به سینما راه پیدا کنند یا همچنان در جست‌وجوی آن هستند. حسین ریگی سینمای ایران را پنجاه سال به سیستان بدهکار می‌داند.

از صحبت‌های کارگردان فیلم که کمی فاصله بگیریم و فیلم را به عنوان یک اثر مستقل مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که جای بحث بسیار دارد. لیپار با مخاطب نوجوان ارتباط زیادی برقرار نمی‌کند، چون قصه فیلم در فضای بزرگسال روایت می‌شود. بحران‌ها و کشمکش‌های بیرونی شخصیت اول فیلم یعنی «برکت» که در آستانه بلوغ است و به دنبال مادر خود می‌گردد، در حد همان کشمکش‌های سطحی باقی می‌ماند و تبدیل به درام نمی‌شود. روایت در برخی از



محمد مهدی رضایی

لیپار:

رودخانه بجران‌ها



پروانه‌هایی با بال‌های زخمی

دیدار خبرنگاران نوجوان با کودکان بیمار بیمارستان امام حسین (ع)



نگین جانناری

عصر یکشنبه خبرنگاران نوجوان مهمان کودکان دارای معلولیت و مبتلا به سرطان در بیمارستان امام حسین (ع) بودند. اینجا صداها نقش اول جشنواره کودکان اند، صدای کودکان، کودکانی که می‌خندند، کودکانی که بازی می‌کنند، کودکانی که گریه می‌کنند. آسمان آبی بیمارستان برای بال گشودن تمام کودکان جا دارد تا جان بگیرند و از بند بیماری رها شوند.

آن‌ها این روزها پروانه‌هایی هستند در سرزمین خیال. قرار است اکران متفاوتی در کنار آن‌ها داشته باشیم. کنار کودکانی که شانه به شانه شخصیت‌های کارتونی نشسته‌اند. جشنواره به بیمارستان آمده است. هر اتاق جای لبخند چند کودک است. لبخند صادقانه روی لب‌هایشان نشان می‌دهد که واقعاً در سرزمین خیال‌هایشان زندگی می‌کنند. با هر دلگرمی که به آن‌ها می‌دهیم، لبخندشان پررنگ‌تر می‌شود.

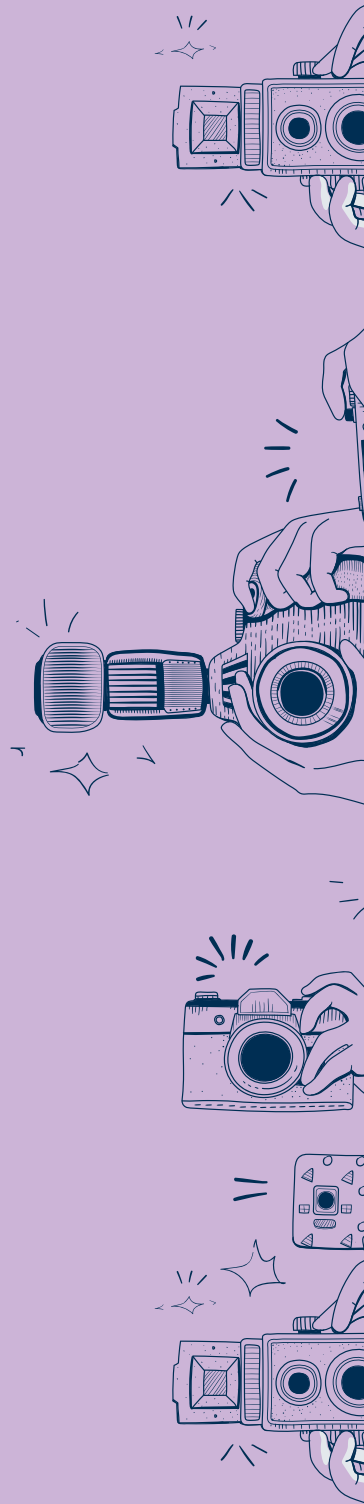
برنامه آغاز می‌شود. یک سالن پر از پروانه، پروانه‌هایی سرزنده و پرنشاط که در حال پروازند. هر کودک کنار یک شخصیت کارتونی نشسته است، شخصیت‌هایی که با آن‌ها زندگی کرده‌ایم. شهر موش‌ها، خانه مادر بزرگه، کلاه قرمزی و خیلی شخصیت‌های کارتونی دیگر.

مجری روی سن می‌آید و با موسیقی و دست زدن‌های خود به پهنای لبخند هر کودک می‌افزاید. کودکانی که در اتاق‌ها هستند با تماشای این پروانه‌ها به سرزمین خیالی خود می‌روند. آن‌ها روزی التیام خواهند یافت و داستان این روزهایشان با نام پروانه‌هایی با بال‌های زخمی در سرزمین خیال برای همیشه جشنواره باقی خواهد ماند.



تماشا

گزارش تصویری روز سوم
سی و چهارمین جشنواره
بین المللی فیلم های
کودکان و نوجوانان



دوربین نوجوان



عکاس نوجوان آوینا امین جواهری

دیدار خبرنگاران نوجوان با
کودکان بیمار بیمارستان
امام حسین (ع)



عکاس نوجوان نسیم موسوی

نشست پرسش و پاسخ
فیلم «لیپار» با حضور
حسین ریگی کارگردان
و عوامل فیلم یکشنبه شب
در سینما ساحل اصفهان
برگزار شد.



پویانمایی (انیمیشن)، شاهراه ورود به دنیای شور و رنگ



متینه اسلامی

دنیای کودکان
دنیای شور و رنگ
و بازی است.
نگاه کودکان به
پدیده‌های اطراف
و جهان بینی شان
باتوجه به سطح
شناختشان
کاملاً متفاوت با
بزرگسالان است؛
بنابراین برای
ارتباط مؤثر با این

گروه، اهمیت آشنایی با علاقه‌مندی‌ها و سطح ادراکی کودکان بیش از پیش پررنگ می‌شود. یکی از مواردی که تقریباً ارتباط هر فردی را با کودکان بهبود می‌بخشد، برآورده کردن یکی از نیازها یا علایق این گروه است.

در دنیای امروز که عصر تکنولوژی و رایانه است، بیشتر کودکان به تماشای انیمیشن‌ها و کارتون‌ها می‌نشینند و به تماشای این نوع محتوا علاقه‌مندند که شاهراه فوق العاده‌ای برای والدین و کارشناسان تربیتی جهت برقراری ارتباط با کودکان و تأثیرگذاری بر آنهاست. جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان مجالی ارزشمند جهت دسترسی به موارد گفته شده است. این جشنواره برای سی و چهارمین سال در اصفهان، پایگاه فعال کانون پرورش فکری کودکان و هم‌زمان با روز جهانی کودک برگزار می‌شود. شعار امسال جشنواره با عنوان «سینما، سرزمین خیال» بیانگر رسالت خطیر هنر هفتم در حفظ روحیه رؤیاپردازی و نشاط‌آفرینی برای کودکان و نوجوانان است.

اکران فیلم و انیمیشن‌های کودکانه در فضایی امن، علاوه بر ابعاد مثبت جامعه‌شناختی، تأثیرات روان‌شناختی بسیاری دارد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به تأثیر کمک گرفتن از انیمیشن و کارتون در درمان ناپهنجاری‌های کودکان در علم روان‌شناسی اشاره کرد. این روش درمان که «کارتون درمانی» نام دارد، در واقع فرایندی است که در آن، رفتار منفی

کودک از طریق علاقه‌مند کردن او به یک شخصیت کارتون مثبت و متناسب با ویژگی منفی کودک، اصلاح می‌شود. به‌واسطه کارتون‌درمانی می‌توان به رشد استعدادها و پرورش و شکوفایی فرزندان کمک کرد و توانایی‌های کودکان را افزایش داد. به عبارت دیگر، کودکان از طریق عشق‌ورزی، آموزش، الگویابی و تجربه یاد می‌گیرند که چگونه در تنهایی و جمع رفتار کنند. علاوه بر آن، کارتون‌درمانی روشی برای بهبود رابطه بین والد و کودک است. بدین‌صورت که والدین می‌توانند با تهیه یک کارتون یا انیمیشن مناسب و به تماشا نشستن همراه کودک و همراهی او در چنین رویدادهایی، ارتباط عاطفی بهتری با کودک برقرار کنند تکرار همین مسئله علاوه بر بهبود و اصلاح رفتارهای نادرست می‌تواند به سرعت، رابطه والدین و فرزندان را به یک رابطه صمیمانه تبدیل کند.

به طور کلی این اقدام، تأثیرات مثبت گسترده‌ای از خود بر جای می‌گذارد که در زیر به تعدادی از آنها اشاره شده است:

- ۱- افزایش احترام به والدین: کودکان را به احترام گذاشتن به والدین و بزرگترها راغب‌تر می‌کند.
 - ۲- آموزش بیان و زبان جدید: نحوه صحبت کردن یا یک زبان جدید را به کودکان می‌آموزد.
 - ۳- افزایش توان بصری: قدرت مشاهده و کاوشگری کودکان را افزایش می‌دهد.
 - ۴- شناخت تصویری: به یادگیری بصری و شناخت رنگ‌ها، ابزارها و... کمک می‌کند.
 - ۵- افزایش نبوغ و خلاقیت: باعث فعال‌تر شدن و بروز نبوغ کودکان می‌شود.
 - ۶- گسترش آگاهی کودکان: به یادگیری مطالب جدید کمک می‌کند.
 - ۷- کاهش استرس کودکان: باعث کاهش استرس کودکان می‌شود.
 - ۸- رشد و پرورش کودکان: استعداد کودکان را افزایش می‌دهد.
- امید است که رویدادهایی ارزشمند از این دست، در میهن عزیزمان ایران گسترش یابد تا هیچ کودکی از زیست دنیای کودکانه و شکوفا شدن استعدادش محروم نباشد.





دکتر حمیدرضا عریضی استاد دانشگاه اصفهان :

فیلم‌های جشنواره را همه باید ببینیم



این جشنواره می‌تواند ما را با آثار مکتوبی که به فیلم تبدیل شده‌اند نیز آشنا کند. همچنان به‌عنوان استادی که زمانی در دانشگاه درس‌های روان‌شناسی کودک تدریس می‌کردم، با دانشجویهای خود به صورت اشتراکی به تماشای این فیلم‌ها می‌نشستیم و مسائل و موارد مربوط به روان‌شناسی کودک را از آن استخراج می‌کردیم



برگزاری جشنواره کودکان در اصفهان فرصتی بی‌نظیر برای گروه‌های متعدد است. من تقریباً از آغاز جشنواره، هر بار فیلم‌هایی را از آن انتخاب می‌کردم و به تماشای آن‌ها نشسته‌ام. در واقع به جرم مدت کوتاهی که جشنواره از اصفهان خارج شد، همواره از مشتریان پروپاقرص این فیلم‌ها بوده‌ام. این فیلم‌ها معمولاً دو ویژگی اساسی دارند: یکی اینکه قهرمانان اصلی آن کودک است و دوم اینکه کودکان با زبان و تفکر خویش آن‌ها را درمی‌یابند و از این رو با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. ممکن است بعضی از این فیلم‌ها یکی از این ویژگی‌ها را داشته باشند و به آن اعتبار در این جشنواره قرار بگیرند. دیدن فیلم‌هایی که قهرمانانی کوچک دارد همواره برای بزرگسالان مغتنم است، به خصوص اگر آن‌ها خود کودکانی داشته باشند که بتوانند به صورت مشترک با آن‌ها به تماشای این فیلم‌ها بنشینند. سال‌ها پیش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دو مجموعه کتاب با همین ویژگی‌ها منتشر کرد: یکی کتاب‌هایی با قهرمانان کوچک برای افراد بزرگسال و یکی

برای کودکان بود. این کتاب‌ها تقریباً دنیای کودکان را وصف می‌کردند. من از میان آن کتاب‌ها، «تستوی سبز انگشتی» با ترجمه عالی «لیلی گلستان» را بسیار دوست داشتم و هنگامی که در یکی از این جشنواره‌ها فیلم آن را دیدم، متوجه شدم که فاصله زیادی بین فیلم و کتاب آن وجود دارد. این جشنواره می‌تواند ما را با آثار مکتوبی از این دست که به فیلم تبدیل شده‌اند نیز آشنا کند. همچنان به‌عنوان استادی که زمانی در دانشگاه درس‌های روان‌شناسی کودک تدریس می‌کردم، با دانشجویهای خود به تماشای این فیلم‌ها می‌نشستیم و مسائل و موارد مربوط به روان‌شناسی کودک را از آن استخراج می‌کردیم.

توصیه می‌شود برای درک این موارد، کارشناسان کودک و همه کسانی که با کودکان سروکار دارند این فرصت ارزشمند را از دست ندهند و حتماً سعی کنند این فیلم‌ها را با نگاهی انتقادی تماشا کنند.



پوسترهای سینمایی کودک و نوجوان

گفت و گو با استاد محمدعلی حدت، نقاش و پیشکسوت طراحی گرافیک

جناب استاد حدت، فضای پوسترهای امروزی را در سینما و سینمای کودک و نوجوان چگونه می بینید؟

غالباً برای تبلیغات، معرفی کالا، معرفی موضوع، اعلان نمایشگاه، تئاتر و یا سینما، برنامه های نمایشی و اجرای موسیقی از طراحی پوستر استفاده می کنیم. در سینما، مسئله این است که موضوع فیلم چیست، داستان آن بر چه اساسی استوار است، قصد بیان کردن چه چیزی را دارد، پیام خاص آن چیست و تمام این موارد به شکل گیری پوستر برای فیلم کمک می کند. پوستر برای سینمای کودک و نوجوان، شاخصه های ویژه خودش را دارد. درحقیقت، شرایط در این مقوله حساس تر می شود، اما به طور کلی در فضای امروز، باتوجه به اینکه تبلیغات و عرضه آن بیشتر شده، می توان گفت به پوستر توجه کمتری می شود.

● پروسه خلق اثر، از ایده تا اجرا، چگونه شکل می گرفت؟

در مورد پوستر فیلم هایی که به بنده پیشنهاد می شد، بنا به شرایط آن زمان، چون امکانات دیجیتالی، CD و کامپیوتر فراهم نبود و اگر قصد مشاهده فیلم را داشتیم، آن هم هنوز در آن مرحله از کار کامل نشده بود؛ بنابراین از دستگاه Moviola که دستگاه مونتاژ فیلم بود استفاده می شد و فیلم را در وضعیتی بدون افکت، بدون موسیقی و انجام صداگذاری تماشا می کردیم. سپس با عوامل دست اندرکار فیلم صحبت می کردیم و باتوجه به ایده و فیلم، طرح اصلی در ذهنم شکل می گرفت؛ بعد

استاد محمدعلی حدت
نقاش و طراح گرافیکی
است که خاطرات
نسلی از سینمادوستان
را به تصویر کشیده
است. حدت متولد آبان
ماه ۱۳۲۷ در شهر یزد
است. او دیپلم خود را در
سال ۱۳۴۶ از هنرستان
هنرهای زیبای اصفهان



عاطفه یزدانی

در رشته نقاشی دریافت کرد. تبحر او در نقاشی موجب شد از سال ۱۳۴۹ از او برای ساخت پوسترهای سینمایی دعوت به عمل آید، کاری که بعدها به طراحی سردر سینماها منجر شد و تا سال ۱۳۷۶ ادامه یافت. استاد حدت یکی از پرکارترین هنرمندان در این زمینه است و تاکنون بیش از ششصد پوستر برای فیلم های سینمایی داخلی و خارجی طراحی کرده است. او با تهیه کنندگان بسیاری همکاری کرده و آثارش بخش مهمی از تاریخ طراحی پوستر ایران به شمار می رود، در حدی که مسعود مهرابی در کتاب خود با عنوان «صد سال پوستر ایران»، کتاب را به محمدعلی حدت و مرتضی ممیز تقدیم می کند.





نحوه رفتار با کودکان بوده است. برای مثال، توجه به خطر طلاق برای کودکان یا نقش مؤثر کودکان در تداوم زندگی مشترک پدر و مادر و یا اثرگذاری فضای جنگ تحمیلی بر کودکان و چگونگی تربیت آن‌ها در چنین فضایی و همچنین ایجاد ذهنیت و ارائه تعریفی برای کودکان، از موارد اصلی مورد توجه برای پوستر بودند، ضمن اینکه نباید از حیطه و موضوع فیلم هم خارج شویم. آوردن کودک و یا نوجوان بر روی پوستر، جنبه تبلیغاتی نداشت و با توجه به هویت و نقشی که آن کودک و یا نوجوان در متن قصه داشت، سعی می‌کردیم او را بیشتر نمایان کنیم تا اثرگذار باشد، به عنوان مثال، فیلم‌های «دونده»، «دخترم سحر»، «دوباره نگاه کن»، «شهر خاکستری»، «زمان ازدست رفته»، «طوبی»، «نگاهی دیگر»، «مترسک»، «سامان»، «خانه ابری» و ...

● به‌زعم و دیدگاه شما، چه چیزی باعث کم‌رنگ شدن این فضا در طراحی پوستر شد؟

این موردی است که نه تنها طراحان پوستر و فعالان این عرصه، بلکه تهیه‌کنندگان و عوامل دست‌اندرکار ساخت فیلم، باید با نگاهی آسیب‌شناسانه پاسخگوی آن باشند و با بررسی تغییرات ایجاد شده در فضای فیلم‌ها این مسئله را مورد مطالعه قرار دهند.

● نقش جشنواره‌ها را در ارتقای شرایط و کیفیت پوسترهای سینمایی چطور می‌بینید؟ این سال‌ها چه تغییراتی داشته‌اند؟

برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات مختلف در این زمینه نتیجه مطلوبی خواهند داشت و شرایطی را برای ارتقای کیفیت فراهم خواهند کرد. مسئله رقابتی شدن و ایجاد رقابتی سالم، نه به طمع کسب ثروت، بلکه به عشق هنر و ارائه بهتر آن، به ایجاد چنین شرایطی کمک می‌کند. امروز ساختن فیلم و اثرگذاری هنری و پیام خاصی که در آن فیلم و آن جنس از سینماست، تغییر کرده است، طبیعتاً پوسترها هم باید متناسب با این تغییرات در فیلم، تغییر کند. اینکه این مسیر چقدر با نوع تفکری که کودک و نوجوان امروزی دارد هم‌سو و همراه بوده و پاسخگوی نیازهای آن‌هاست، موردی است که می‌توان آن را از طریق پرسش از خود کودکان و نوجوانانی که در این جشنواره‌ها حضور دارند و نسل جوانی که در تهیه پوستر برای سینمای این گروه فعالیت می‌کنند، پیگیری کرد.

● چه چشم‌اندازی را برای طراحی پوستر متصور هستید؟ به نظر شما چطور می‌توانیم به جایگاه موفق‌تری در این زمینه دست پیدا کنیم؟

تعریف چشم‌اندازی برای پوستر سینما، صرفاً به خود پوستر محدود نمی‌شود، بلکه به سینما و صنعت آن بازمی‌گردد. اینکه تنها چند کودک یا نوجوان را با بزرگ‌ترها همراه و هم‌نقش کنیم و دیالوگ‌هایی را که بزرگسالی برای آن‌ها نوشته و برای آن کودک و یا نوجوان ثقیل و سنگین است، به خورد مخاطب بدهیم حتی گاهی می‌تواند نامیدکننده باشد. این مسئله و توجه به حساسیت‌های آن در طراحی پوستر برای فیلم هم صدق می‌کند. آیا ما می‌خواهیم با این پوستر، صرفاً تعدادی کودک را جذب کنیم و یا می‌خواهیم موضوع و جذابیت فیلم را برسانیم؟ این‌ها مواردی مهم و کلیدی است. رنگ‌های شاد و شارپ در طراحی پوستر، همیشه جذابیت داشته و خواهد داشت. اما نه اینکه تنها، رنگ‌های شاد و کودکانه استفاده شود، بلکه رنگ‌هایی که نگاه و تفکر شفاف و روشن یک کودک و نوجوان را نشان دهد. در واقع امروزه می‌توان با توجه به هویت مستحکم مطلوب برای کودک که پی‌ریزی شخصیت آن در آینده را به دوش دارد، به خلق پوستر پرداخت.



به صورت اتود آن را پیاده می‌کردم و در نهایت آن را به اجرا می‌رساندم.

● نوگرایی در پوستر امروز ایران را چطور می‌بینید؟ آیا معتقدید پیشرفت تکنولوژی و تجهیزات به کیفیت و ایجاد تحول در طراحی پوستر کمک کرده است؟

مسئله نوگرایی در پوستر سینما در اصل به نوگرایی در خود سینما بازمی‌گردد. از هفتاد یا هشتاد سال پیش که سینما رسماً کار خودش را آغاز کرد و برای نمایش عمومی فیلم سالن‌های مختلفی ساخته شد، در حقیقت سینما خود نوگرایی بود و مستلزم این بود که مرتب شیوه‌های جدیدی در آن دیده شود. برای مثال، فیلم رنگی و یا شیوه‌های جدیدتری برای نمایش فیلم که همه این موارد خودشان به‌طور مستقیم در مسیر نوگرایی حرکت می‌کردند و امروزه هم با توجه به امکانات پیشرفته تکنولوژی نرم‌افزاری، فیلم خیلی راحت‌تر ساخته می‌شود و زحمات دهه‌های چهل، پنجاه و حتی شصت را هم ندارد. در مورد پوستر و تهیه پوستر هم می‌توان گفت هر پوستری در نوع خود نو و جدید است. یک طرح، موضوع و ایده برای فیلم به‌طور انحصاری تهیه می‌شود و پوستر هم ویژگی‌های خاص آن فیلم را دارد. اما زحماتی که ما برای طراحی و نقاشی یک پوستر انجام می‌دادیم قابل مقایسه با امکانات نرم‌افزاریهایی مانند فتوشاپ که اکنون سایر دوستان در اختیار دارند نیست. این مسئله کار را برای اجرای پوستر راحت‌تر کرده است.

● شاخصه‌های اصلی طراحی پوستر برای کودکان و نوجوانان چیست؟

آنچه برای طراحی پوستر برای کودکان و نوجوانان بسیار حائز اهمیت است، توجه به این نکته است که کودک و نوجوان امروزی، فارغ از آنکه ما تا چه سنی را کودک و یا از چه سنی را نوجوان قلمداد کنیم، بسیار می‌فهمند و درک می‌کنند. با توجه به امکانات امروز و فضای مجازی، حتی یک کودک چهار یا پنج ساله هم می‌تواند بسیاری از کارها را با کامپیوتر خودش به راحتی انجام دهد، مانند درس خواندن در شرایط امروز که با توجه به بیماری کرونا، تمام زمان آموزش پشت کامپیوترها و یا موبایل‌ها می‌گذرد. این مسائل، خواهی نخواهی ویژگی‌های خاصی را پدید می‌آورد. سینما برای کودک و نوجوان امروزی باید ظرافت و دقت بسیاری قائل شود و ما به قول خودمان دیگر نمی‌توانیم بچه‌ها را با خروس قندی گول بزنیم، چراکه بسیار خوب متوجه همه چیز می‌شوند و در حقیقت پی‌ریزی‌های اصلی شخصیت آن‌ها در همین سنین صورت می‌گیرد.

● آیا این ویژگی‌ها طی این سال‌ها حضور پررنگی یافته است؟

البته تا جایی که دیده، شنیده و یا پیگیر شده‌ام، می‌دانم از طریق سالن‌هایی که فیلم در آن‌ها نمایش داده شده است، حرکت‌های بسیار خوبی در این مورد انجام شده و تلاش‌های قابل توجهی با توجه به صحبت‌های قبلی‌ام در مورد درک کودک امروزی صورت گرفته و از نظر آموزش‌های مسائل فرهنگی و هنری هم کارهای زیادی انجام گرفته و امیدوارم این مسیر ادامه پیدا کند. در واقع باید به گونه‌ای باشد که فیلم‌سازان ما صرفاً با نگاه به حوزه کودک، کار نکنند، چون نهایتاً بزرگ‌ترها هم همراه با کودکان این فیلم‌ها را می‌بینند و ممکن است سؤالاتی برایشان پیش بیاید که توانایی و شرایط پاسخ به آن فراهم نباشد. مهم است که به این اصل توجه شود که موضوع و حرف اصلی مورد نظر با زبان سلیس و مستقیم و راحت برای کودک و نوجوان امروزی مطرح شود.

● در میان پوسترهای شما، آثاری به یادماندنی در سینمای کودک و نوجوان وجود دارند، که فضای خاطره‌انگیز آن‌ها دیگر تکرار نشدند. از این آثار بگویید؟

خیلی از این قصه‌ها و داستان‌ها خانوادگی و در ارتباط با

پویانمایی و مسئله مخاطب

یادداشتی درباره
دو پویانمایی کوتاه جشنواره



محمدجواد فراهانی

پویانمایی کوتاه «پرنده باز» کارگردان: سید احمد جعفریان

در همین نقطه است که عدم شناسایی مخاطب هدف به چنین اثری لطمه می‌زند. در داستان‌هایی که بر پایه گذشته یک شخصیت و اغتشاشات ذهنی او استوارند، با پیرنگی شخصیت محور مواجهیم؛ پیرنگی که معمولاً مخاطبش بزرگسال است تا کودک؛ چراکه ممکن است درک روایت ذهنی یک کاراکتر و زمان پریشی‌های چنین داستانی برای مخاطب کودک و نوجوان دشوار باشد. با این حال، اگر چنین پیرنگی به خوبی ساخته و پرداخته شود و حول یک مضمون ثابت درجا نزند، باز هم در جذب مخاطب کودک و نوجوان موفق خواهد بود. این همان اتفاقی است که در «پرنده باز» نمی‌افتد و ما با پیرنگانی مواجهیم که مدام از شخصیت اصلی یک چیز ثابت را می‌خواهند و شخصیت که به خانواده‌اش علاقه‌مند بوده، تا پایان خواسته‌های آن‌ها را موبه‌مو اجرایی می‌کند.

زمانی که کارگردانان جوان به ساخت انیمیشن یا پویانمایی‌های کوتاه روی می‌آورند، اگر این پرسش که «مخاطبشان چه کسی است؟» را مدنظر قرار دهند، بی‌شک در مسیر شکل‌دهی به روایت خود عملکرد موفق‌تری خواهند داشت. پویانمایی «پرنده باز» که با بهره‌گیری از استاپ‌موشن، داستان خود را عرضه می‌کند، در شناسایی مخاطب هدف، چندان موفق نیست. حال اگر فرض را بر این بگذاریم که تماشاگران این پویانمایی کوتاه، کودکان و نوجوانان هستند، باید در مرحله بعدی، جذابیت‌هایی را که ممکن است آن‌ها را جذب کند در نظر بگیریم. در این خصوص باید پرسید که کدام ویژگی فرمی و روایی «پرنده باز» می‌تواند در کودک و نوجوانی که به انواع فیلم‌ها و انیمیشن‌های خارجی دسترسی دارد، رغبت تماشا ایجاد کند؟ فیلمی که از لحاظ بصری، کاراکترهایش دفرمه شده‌اند، آیا می‌تواند با آثار خارجی رقابت کند و در سبب فرهنگی کودک و نوجوان ایرانی قرار گیرد؟ حال اگر کمبود امکانات و دشواری‌های تولید چنین کاری را بپذیریم و با دیده اغماض، از فرم اثر چشم‌پوشیم، آیا پرنده باز روایت جذابی دارد که در مخاطب کشش ایجاد کند؟ درست

پویانمایی کوتاه «فوبی» کارگردان: الهام امینیان

دوران کودکی در روایت خود به خوبی بهره‌مند شده باشد. نقاشی، یکی از اولین کنکاش‌های کودک برای تصویربخشیدن به رؤیاهایش است و این مهم در فیلم، زمانی که شخصیت اصلی رؤیاهایش را می‌کشد، به وقوع می‌پیوندد. با این حال، فیلم سعی می‌کند از رؤیا، خیال و نقاشی، به واقعیتی پل بزند که در آن، یافتن دوست خوب از اهمیت والایی برخوردار است و درست در همین نقطه است که اثر دچار آسیب می‌شود و علت اصلی این مشکل به طراحی عجیب کاراکتر عنکبوت بازمی‌گردد. در اینجا نویسنده می‌خواهد به واسطه ترسناک بودن کاراکتر عنکبوت، بر ترس‌های ابتدایی یک کودک در اولین مواجهه با یک غریبه تأکید کند و در ادامه دوستی‌ای را نشان دهد که از پس این ترس ایجاد می‌شود. همان‌طور که در واقعیت این اتفاق برای کودک می‌افتد و کودک معمولاً در اولین برخوردش با افراد جدید، می‌ترسد و کنشی محافظه‌کارانه دارد. این مهم در فیلم به وقوع نمی‌پیوندد؛ چراکه مخاطب با عنکبوتی طرف است که نه تنها ترس نمی‌آفریند، بلکه مخاطب را دچار انزجار می‌کند. به‌طور کلی پویانمایی فوبی را می‌توان اثری دانست که روان‌شناسی کودک در شکل‌گیری روایتش دخیل است و این مهم فیلم‌ساز را در هدایت شخصیت اصلی یاری می‌دهد.

«فوبی» که کوتاه‌شده واژه فوبیاست، از نظر ویژگی‌های بصری، کاربرد استاپ‌موشن و انیمیت کردن کاراکترها نمره قبولی می‌گیرد. همچنین مخاطب هدفش را به خوبی شناسایی می‌کند و خیال‌ها و کابوس‌های یک کودک را دست‌مایه روایی اثر خود قرار می‌دهد. فیلم برای رؤیاهای کودکان اهمیت قائل می‌شود و به این نکته توجه دارد که دنیای کودکی، دنیای غرق شدن در خیال و بلندپروازی است. دنیایی است که در آن، کودک، جهان اطرافش را در نسبت با خیال‌های خود درک می‌کند؛ چراکه او مرحله آینه‌ای و نمادین زندگی‌اش را به تازگی پشت سر گذاشته و زمانی که به مرحله واقعی پل می‌زند، ناخودآگاهش همچنان در حال واکاوی رؤیاهاست. شخصیت اصلی فوبی نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. او رؤیاهایش را واقعی می‌یابد و به تدریج عروسک‌های واقعی‌اش را با عروسک‌های شیشه‌ای عوض می‌کند. کودکی که ماجراجوست و در سفر خیالی خود، با محیط‌های جدیدی آشنا می‌شود که همگی برایش تازگی دارند. در اینجا فیلم‌ساز نقاشی را نیز به خیال پیوند می‌زند تا از دو عنصر مهم

در مسیر یافتن

یادداشتی بر فیلم «بلیط»

بلیط بوده، از ترس آنکه مبدا بلیط برای یافتن مادرش به شهر برود و دچار آسیب روحی و روانی شود، از رفتن او جلوگیری می‌کند؛ به معنایی دیگر، او می‌ترسد که بلیط با حقیقت زندگی مادرش آشنا شود و به همین دلیل مانع رفتن او به اصفهان می‌شود. ارتباط میان پدربزرگ و نوه محور اصلی داستان را شکل می‌دهد. پدربزرگ مردی دلسوز و مهربان با لهجه شیرین بختیاری است که تمام سرمایه‌اش را صرف بزرگ کردن نوه‌اش کرده است. نکته موردتوجه کارگردان فیلم که به آن، هم به شکل صریح و هم به شکل ضمنی، در طول فیلم اشاره می‌شود فقر و نبود امکانات برای افراد حاشیه‌نشین شهرهاست. قومیت‌هایی که با همه دشواری‌ها در تلاش برای ادامه زندگی هستند، اما هیچ‌گونه امکاناتی برای تحصیل، بهداشت و دیگر امور به آنان داده نمی‌شود. نمونه بارز این نکته، هم در مدرسه است و هم در نمایی که پسری نیش عقرب خورده و هیچ‌کس نمی‌داند برای درمانش باید چه کاری انجام دهند.

فیلم بلیط را نمی‌توان فیلمی خوش‌ساخت دانست که تمامی عناصر روایی‌اش با هم چفت‌وبست شده، اما می‌توان به‌علت دغدغه فیلم آن را مورد ستایش قرار داد. بر همین مبنا می‌توان دیدن فیلم را به علاقه‌مندان به سینمای کودک پیشنهاد کرد.

«بلیط» ساخته مرتضی رحیمی، داستان نوجوانی پرنرزی و جست‌وجوگر است که برای یافتن مادرش دست به هر کاری می‌زند. فیلم در ناحیه جنوبی ایران در شهرهای اندیکا، مسجدسلیمان، شوشتر، ایذه و اصفهان تهیه شده است و تمامی دیالوگ‌ها به لهجه بختیاری بیان می‌شود. بلیط را می‌توان یکی از معدود فیلم‌هایی دانست که با همه نکات منفی‌اش، فیلمی در ژانر کودک و نوجوان است که با گذر زمان دراماتیک فیلم، شخصیت نیز رشد می‌کند و به بلوغ رفتاری می‌رسد. داستان فیلم از آنجا شروع می‌شود که بلیط در جست‌وجوی کاری برای افزایش درآمد خود با ممانعت پدربزرگش مواجه می‌شود. بلیط در دوسالگی پدر خود را از دست داده و مادرش نیز در همان سال‌ها با مردی ازدواج کرده و به

اصفهان آمده است. بر همین مبنا انگیزه دراماتیک فیلم شکل می‌گیرد و کشمکش داستان میان یافتن مادر و ممانعت پدربزرگ شکل می‌گیرد. پدربزرگ در واقع هم پدر و هم مادر



علیرضا محرز





کودک‌آزاری است، اما هنوز بسیاری از والدین از آن مطلع نیستند.

شاید انتخاب چنین ایده و موضوعی در شرایط امروز جامعه، هشدار خوبی برای والدین باشد که بدانند کودکان ابزار تبلیغاتی بزرگ‌ترها نیستند، اما به چنین موضوع مهمی چنان دم دستی پرداخت شده است که فیلم از پس گفتن حرف خود بر نمی‌آید. شعار فیلم از اسم انتخابی تا داستان و نوع روایت دلالت بر جمله «نه به کودک‌آزاری» دارد؛ اما در خود فیلم شاهد صحنه‌ای هستیم که بسیار آزاردهنده است. کودکی معصوم که خود قربانی سطحی‌نگری والدینش است، در دفتر مدرسه گویی بازجویی می‌شود. آیا به حضور پلیس و پدر عبوس فاطیما در آن لحظه نیازی بود؟

● دو چرخه باز

«دو چرخه باز» به کارگردانی مهسا امیری و با بازی پویان باقری، طاها عنبرافشان و مسعود کیانی ساخته شده است. خلاصه داستان فیلم: سعید مدت‌هاست از والدین خود خواسته است تا برای او دو چرخه بخرند. پسر بچه ده‌ساله‌ای که داشتن دو چرخه برایش بسیار لذت‌بخش‌تر از داشتن گوشی موبایل هوشمند است.

ایده فیلم و پایان‌بندی آن تا حدی می‌تواند در چهارچوب استانداردهای اولیه فیلم کوتاه قرار گیرد. با اینکه کارگردانی، فیلم‌برداری و بازی‌ها همگی ضعیف است، چند نکته مثبت در فیلم دیده می‌شود. کودکی برای اینکه به خواسته خود برسد، از موقعیت به‌وجود آمده، داد و فریاد اهالی محل که «دزد، دزد» می‌کنند، کاملاً به نفع خودش استفاده می‌کند و پایانی را رقم می‌زند که تا حدی بیننده را غافلگیر می‌کند.

● منم سمیرا

«منم سمیرا» به کارگردانی متین رکن و با بازی احسان باریگزهی، زیبا باریگزهی، ابراهیم شنواری، نگار یعقوبی، سجاد ابراهیمی و شبنم تیموری ساخته شده است.

خلاصه داستان فیلم: سمیرا (دختر افغان) عاشق لولک بازی است و لولک خود را برای مسابقه بین محلات تزیین می‌کند، اما برادرش قیوم مخالف حضور اوست.

تبعیض جنسیتی همواره یکی از موضوعات مورد بحث در فضای اجتماعی است. در شروع این فیلم، قاب‌بندی، طراحی صحنه و لباس، بازی‌ها و به‌خصوص فیلم‌برداری، به بیننده مزه‌ده یک فیلم خوب را می‌دهد که به چنین موضوعی پرداخته است، اما در دوسوم پایانی فیلم، اسلوموشن‌ها بیننده را از ریتم، فضا و موقعیت ایجاد شده دور می‌کند. ای‌کاش فیلم‌ساز همان‌طور که با وسواس به شروع فیلم پرداخته است، به پایان فیلم هم به همین اندازه اهمیت می‌داد.

قبل از اینکه در قالب یادداشتی به فیلم‌های کوتاه اکران‌شده در روز دوم جشنواره بپردازم، لازم است به‌طور خلاصه و در چند جمله درباره فیلم کوتاه بنویسم.

در فیلم کوتاه قرار نیست یک داستان بلند را با تمام پیچیدگی‌هایش در زمانی کوتاه نشان دهیم. در فیلم کوتاه فرصتی برای شخصیت‌پردازی نداریم؛ پس بهتر است تعداد کاراکتر وجود نداشته باشد. کاراکتر و لوکیشن محدود و ترجیحاً تک‌لوکیشن با توجه به



آلا فوقی

استانداردهای فیلم کوتاه و تجربه‌های جهانی آن، برای این نوع سینما اکیداً توصیه می‌شود؛ اما متأسفانه فیلم‌سازان فیلم کوتاه در ایران به این استانداردها کم‌توجهی می‌کنند. در فیلم کوتاه چیزی به‌عنوان شروع، میانه و پایان و همچنین عطف، کلابمکس و... آن‌گونه که برای فیلم بلند طراحی می‌شود، وجود ندارد. آنچه در فیلم کوتاه مهم است پایان‌گرفتن و ضربه نهایی در فیلم است. پایان‌بندی‌ها در فیلم کوتاه باید طوری طراحی شود که از انتظار بیننده دور باشند.

● فیلم بلاگر

«بلاگر» به کارگردانی صابر تاتارچه و با بازی رها عربگری، رامتین هوشمند، پاووان افسر، مهدیس توکلی و عباس شجاع ساخته شده است.

خلاصه داستان فیلم: دختر بچه‌ای با همکاری مادرش، از طریق تبلیغات در فضای مجازی، معروف می‌شود و برای مادر از طریق تبلیغات درآمدزایی دارد.

استفاده نادرست از فضای مجازی این روزها در کشور ما کم نیست و متأسفانه در اینستاگرام بارها شاهد این اتفاق بوده و هستیم. یکی از مصادیق بارز این امر نیز انتشار عکس‌ها و فیلم‌های کودکان با آرایش و تیپ‌های خاص، شیرین‌زبانی‌ها و... است که نقض حقوق کودک به شمار می‌رود و مصداق

فیلم کوتاه، مجازی کوتاه با چشم اندازه کسب‌کرده

مروری بر چند فیلم کوتاه جشنواره سی و چهارم





مکّنونات در کوتاهی قصه‌ها

نقد و بررسی فیلم «دوچرخه‌باز» ساخته مهسا امیری



محمد بزرگ



حاکمیت سیستم فرمال غیرروایی در آثار تجربی به صورت مینیمال برجسته می‌شود و خروجی آن که

عاید هنر می‌شود فرم انتزاعی است که در فیلم کوتاه، قراردادی بین اثر و مخاطب ایجاد می‌کند. در اینجا کوتاهی اثر به بلندای مفاهیم پهلو می‌زند و فرم از اینجا شکل می‌گیرد. برای همین فیلم‌ساز با فیلم کوتاه آبدیده می‌شود، نه اینکه برای او دست‌گرمی باشد. در بیان مفاهیم ضمنی و درون‌مایه‌های استعلایی راهی جز کوتاه کردن کلام نیست و تصویر، خود گویای همه‌چیز است، روزگاری نقاشی و بعد عکاسی و حال سینما.



هرچه عوامل برای ساخت تلاش بیشتری کنند، خوانش و تحلیل‌ها بیشتر و تأثیر عمق بخشیدن به اثر افزایش خواهد یافت

باید عنوان کرد که ساخت فیلم کوتاه سخت‌تر از فیلم بلند است، نه از نظر تولید، بلکه از نظر تکنیک و

محتوا که مانند جورچین در دست فیلم‌ساز است که فرم در اثر پدید آید. آن موقع است که همیشه یک اثر هنری پنداشته می‌شود. قصه‌گویی هم در فیلم کوتاه ویژگی‌های خود را دارد که یکی از آن‌ها نگاه سوپزکتیو به کاراکترهای فیلم است و بازنمایی آن در عملی که قصه را جلو برد.

در فیلم دوچرخه‌باز ساخته مهسا امیری، ایده اصلی پسری است که شیفته دوچرخه است و خانواده او هنوز موفق به خرید دوچرخه برای او نشده‌اند. ماشین ۲۰۶ می‌ایستد؛ او از ماشین پیاده می‌شود. مادر با پدر بگومگو می‌کنند و پسر مأمور خرید سس مایونز از سوپرمارکت محل برای منزل می‌شود. او در راه رفتن به پسری برمی‌خورد که سوار دوچرخه است. بعد از خوش‌وبش با او، گوشی هوشمند به روزش را در ازای سوار شدن دوچرخه مبادله می‌کند. راهی مغازه می‌شود و دوچرخه را در مقابل درب می‌گذارد. هنگامی که می‌خواهد سس مایونز را از مغازه دار بگیرد صدای دزدیده شدن دوچرخه را می‌شنود و از مغازه بیرون می‌آید. کات! به سراغ دوستش می‌رود موبایل را می‌گیرد، قضیه را به او می‌گوید و به منزل می‌رود. پدر دوستش به در منزل او می‌آید و قضیه بین خانواده‌ها مطرح می‌شود. در این هنگام او در زیرزمین پنهان شده است. پدر نزد او می‌آید و بعد از گفتن ماجرا، پارچه‌ای را از روی شیء بزرگی کنار می‌زند و ناگهان دوچرخه پدیدار می‌شود.

عزت‌الله انتظامی در نقش مش‌حسن است؛ به طرزى که اهالی روستا هم باورش می‌شود. فیلم کوتاه را جدی بگیریم که مصداق همان تعبیر «کم‌گوی و گزیده‌گوی چون در» است و باید خوانشی از لحظه به لحظه اتفاقات مینیمال آن داشت. به قول رابرت مک‌کی، «هیچ برگی در داستان بی‌اذن نویسنده نباید فروریزد». اگر در فیلم، کودک باید برود از مغازه سس مایونز بخرد، حتماً باید در لایه‌های زیرین معانی خاصی تولید کند. مثلاً ما در خوانش خود نسبت به این مسئله می‌توانیم مدرناسیون را برداشت کنیم؛ چراکه سس مایونز با غذاهای جدید ارتباط دارد. از سویی، هدف کارگردان که نشانه گرفتن کودکان امروز جامعه است بیشتر مشخص می‌شود. او خواسته «سعید» کاراکتر فرزند فیلم که علاقه‌مند دوچرخه است واحد بررسی روان‌شناختی و آسیب‌شناسی کودکان امروز باشد. هرچه عوامل برای ساخت تلاش بیشتری کنند، خوانش و تحلیل‌ها بیشتر و اثرمندی و عمق بخشیدن به اثر افزایش خواهد یافت.

با یادآوری داستان، قصد داشتم از ابتدا قصه را مرور کنیم. ما با پسری مواجهیم که شیفته دوچرخه است. آیا این شیفتگی در صورت پسرک نمایان است؟ در فیلم لیپار پسرک علاقه‌مند به فیلم هندی است. هوشمندی کارگردان به قدری است که او را هم شبیه هندی‌ها انتخاب کرده است. منظور این نیست که اینجا بچه شبیه دوچرخه شود، اما باید این شیفتگی به سینما تبدیل شود. او اگر چشمش به صفحه موبایل دوخته شده است باید بازی‌ای را انتخاب کرده باشد که دوچرخه در آن نمایان باشد. با جوری شوریده‌وار اطرافش را رصد کند که دوچرخه را با چشمانش سوار شود. آن موقع منطق دزدیدن در قصه به وجود می‌آید. انتخاب بازیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیش تولید محسوب می‌شود. در آثار کیشلوفسکی به طرز عجیبی این رویداد نمایان است. نکته دیگر متد اکتینگ در بازی‌هاست. بازیگر باید به قدری محدود نقش باشد که همه چیز را قبل و بعد از بازی‌اش دوچرخه ببیند. در فیلم گاو مهرجویی بزرگ‌ترین اتفاق، بازی



حواسمان به نابازیگران کودک و نوجوان باشد



چگونگی حضور عوامل در نشست‌های مطبوعاتی را می‌توان بازنمودی از روابط و نحوه مواجهه سازندگان با چالش ذکرشده دانست. بدیهی است که چنانچه این جشنواره منتسب به کودکان و نوجوانان نبود، لزوم توجه به این موضوع نیز از بین می‌رفت؛ اما نظر به حساسیت‌ها و اهمیت شکل‌گیری شاکله شخصیت بزرگسالی در این رده سنی، نباید فراموش کرد که هرگونه فضایی به دور از صمیمیت و همدلی در کار با نابازیگران کودک و نوجوان می‌تواند روابط آتی حرفه‌ای و شخصی او را تحت تأثیر قرار دهد.

شایان ذکر است که صمیمیت در کنار اقتدار قابل جمع است. نباید الزام‌هایی که برخی سازندگان در طول ساخت به وجود می‌آورند یا طی شرایط مختلف شکل می‌گیرند در قالب‌های اضطراب و خستگی‌های روحی و جسمی به کودکان و نوجوانانی منتقل شود که نابازیگرند و آمادگی تحمل فشار را ندارند و به یک‌باره با محیط حرفه‌ای سینما روبه‌رو شده‌اند. حفظ این استعدادها برای آینده‌ای درخشان را باید در کنار لزوم آموزش صحیح مدنظر قرار داد و آن‌ها را در بافتار رابطه‌ای مبتنی بر نیازها و تاب‌وتوانشان به سمت روزهای حرفه‌ای‌تر و درخشان‌تر رهنمود ساخت.

جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان را می‌توان به نوعی متعلق به آنان دانست، هرچند هر سال تعداد آثاری که برای کودکان و نوجوانان باشد، نه درباره آنان، رو به کاستی است. در واقع، نباید از یاد برد که حوزه مخاطبان را به‌ندرت می‌توان به کودک و نوجوان اختصاص داد، در حالی که در حوزه ساخت و تولید اثر، همچنان کودکان و نوجوانان نقش اصلی را ایفا می‌کنند. بیشترین کودکان و نوجوانان نابازیگرند و معمولاً برای نخستین بار مقابل دوربین قرار می‌گیرند؛ بنابراین، همین موضوع می‌تواند چالش جدی‌ای در برخورد با آنان پیش روی عوامل سازنده قرار دهد.



حسین صادقی
(بخش میان رشته‌ای)





از اصل دور ماند جهانی به ذوق فرع

یادداشتی بر فیلم بلند سینمایی «برزنگی» به کارگردانی حسین قاسمی جامی



با سردردی مهارنشده در سرویس بهداشتی سینما ساحل اصفهان، روبه‌روی آینه ایستاده بودم و آب بر صورت می‌زدم تا بلکه کمی از این سردرد کاسته شود. علی کودک ده‌ساله‌ای بود که او هم فیلم برزنگی را دیده بود و وقتی نظرش را در مورد فیلم پرسیدم، با این پاسخ مواجه شدم: «من که هیچ چیزی نفهمیدم. از مادرم سؤال کردم. اون هم گفت فیلم جن و پری بود.» به‌راستی علت این سردرد مهارنشده من و هاج‌وواج ماندن علی چه بود؟



منصور کامکار

برزنگی یک فیلم از جهان دیو و پری هاست، اما علی رغم

هزینه‌گرافی که برای ساخت فیلم صرف شده، فیلمنامه در حد ایده باقی مانده است و بزرگ‌ترین علت سردرد مهارناپذیر من و سردردگی علی نیز همین بود. فیلم‌نامه در سرتاسر فیلم درگیر روایت در روایت بود. روایت‌هایی که شروع می‌شد و کمی بعد پادروامیان زمین و آسمان معلق می‌ماند و هنوز به سرانجامی صحیح نرسیده، روایت نیمه‌کاره بعدی آغاز می‌شد و این چرخه ابرهشتاد دقیقه ادامه یافت.

ولادیمیر پراپ روسی در دهه ۱۹۲۰ یکی از مشهورترین نظریه‌ها را درباره داستان‌های عامیانه مطرح می‌کند. او از دل افسانه‌های جادویی و پری‌وار، هفت تیپ شخصیتی (یا نقش) و سی و یک عملکرد ثابت و مشخص را بیرون کشید که در ادامه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. تیپ‌های شخصیتی یا نقش‌ها؛ ۲. قهرمان (جستجوگر یا قربانی)؛ ۳. شریر؛ ۴. اعزام‌کننده؛ ۵. یاری‌دهنده؛ ۶. شاهزاده خانم (و پدرش)؛ ۷. قهرمان دروغین.

شخصیت برزنگی قهرمان این قصه بود، اما قهرمانی منفعل که صرفاً نظاره‌گر وقایع بود و با موقعیت‌های داستان‌آشنایی داشت و دست به اعمالی می‌زد که گویی قرار است درام شکل بگیرد، اما این هم خیال باطلی بود که در تاریکی سینما به دست فراموشی سپرده شد!

داستان چندین شریر یا ضدقهرمان داشت: ننه‌کوهی، زن شبح، غریبه و... اما وزن شرارت آن قدر زیاد است که بویی از قهرمان و عمل قهرمانانه‌اش به مشام نمی‌رسد. اهداکننده، اعزام‌کننده و

یاری‌دهنده حضور دارند، اما میان شکل روایت در انبوهی از خرده‌روایت‌ها و شخصیت‌های فراوان عاری از شخصیت‌پردازی صحیح و منفعل و دیالوگ‌های بی‌سروته و شناورمانده گم می‌شوند.

● شاهزاده خانم با حضور پریزاد!

پریزاد هم از شخصیت‌پردازی مناسبی برخوردار نیست و حتی نمی‌توان او را تیپ در نظر گرفت، قهرمانی دروغین هم که انگار پیدایش نیست. شخصیتی که می‌توانست کارکرد دراماتیک داشته باشد، حضوری دکوراتیو در فیلم دارد. صالح همسر پریزاد بود، اما هیچ‌کس نفهمید که از کجا آمد، چه کار کرد و سرانجام به کجا رفت.

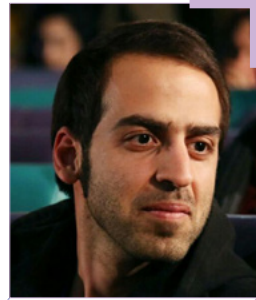
برزنگی هرگز به رشد و بلوغ نمی‌رسد، حتی به آن نزدیک هم نمی‌شود، فقط از گذشته‌اش آگاهی به دست می‌آورد که واکنشش به این آگاهی بسیار سطحی، غیرقابل باور و غیردراماتیک است. اما از دقیقه پنجاه به بعد صدا و تصویر از هماهنگی خارج می‌شود، طبق صحبتی که با مسئولین سینما داشتیم، این مشکل نه از طرف سالن، بلکه از فیلم بوده است که متأسفانه این مسئله سردرد مخاطب را تشدید می‌کرد. بارزیت خش‌خش گونه‌ای هم از اواسط فیلم هرپانزده دقیقه به‌طور متناوب در سرتاسر سالن طنین می‌انداخت و این هم مشکل فیلم بود نه سالن!

شاید اگر این هزینه‌هنگفت که برای ساخت فیلم مصرف شده بود خرج کودکان کار می‌شد تأثیر مثبت و مفیدتری از خود بر جای می‌گذاشت.



سنخیت زیست بوم با استفاده از فضاهای بومی

یادداشتی بر فیلم «پسر رسول» به کارگردانی نبی قلی‌زاده



مجید بدیع‌زاده
(بخش میان رشته‌ای)

به دقت و حساسیت بیشتری نیاز دارند. اکثر نماهای فیلم لانگ‌شات، اکس‌تریم لانگ‌شات و نماهای بزرگ هستند و این بیشتر معرف جغرافیاست تا درونیات بازیگران. در کل می‌توان گفت که با فیلمی متوسط رو به ضعیف مواجهیم.

و پرداخته نشده است. دیالوگ‌ها شعاری هستند و در نهایت قرار گرفتن چند مداح، نظیر سید رضا نریمانی و... به شلوغ‌کاری انجامیده است. در واقع با این روش‌ها نمی‌توان به نحوی مطلوب، چنین موضوع مهمی تاریخی را به تصویر کشید؛ چون این قبیل موضوعات

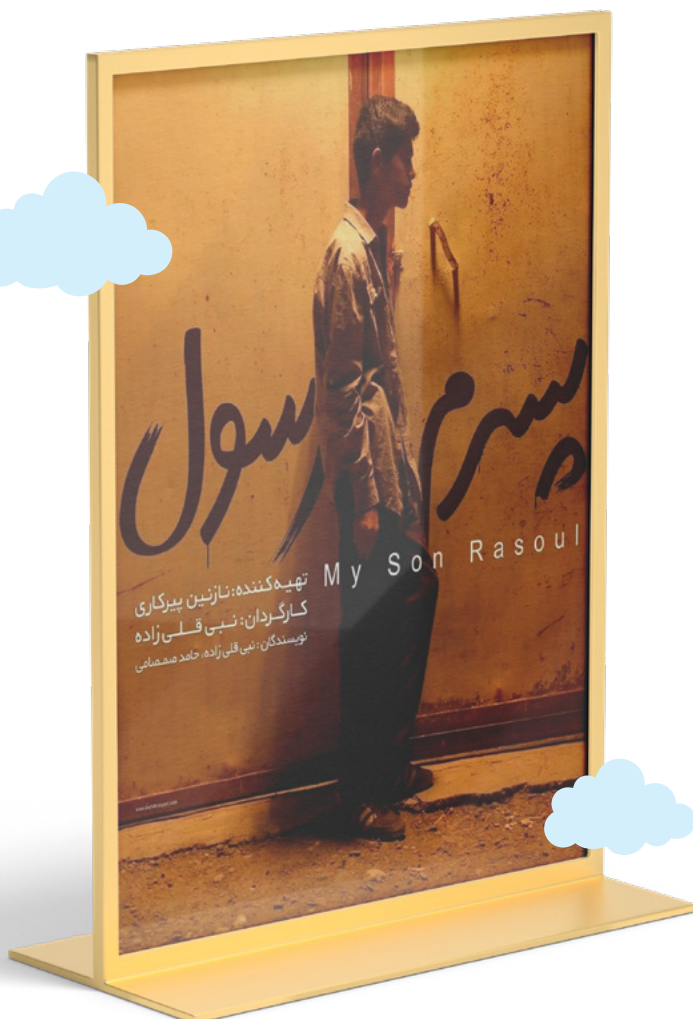
در سی و چهارمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، باز با فیلمی روبه‌رویم که دور از فضای شهری است و سعی در استفاده از فضاهای بومی دارد. اصرار عجیب فیلم‌سازان این دوره از جشنواره بر این مورد چیست؟ شاید موفقیت و دریافت جایزه تعداد معدودی از این قبیل فیلم‌ها در سال‌های قبل، دلیلی بر این مسئله باشد؛ اما باید این نکته را مدنظر قرار داد که گرایش به این‌گونه فضاها، نباید صرفاً به قصد

نماهای کارت‌پستالی باشد؛ چراکه هر معلولی علتی دارد و این قضیه در سینما هم صادق است. در این فیلم بازی بازیگران با لهجه‌هایشان قابل قبول و باورپذیر است و به خصوص در نقش‌های فرعی با این زیست‌بوم سنخیت دارد. شاید تنها دلیل انتخاب این زیست‌بوم (استان کرمان) سردار سلیمانی است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

پدیده دیگری هم که در ابتدای فیلم به آن اشاره شد، مانند بیشتر فیلم‌های جشنواره، پرداختن به عشق دوران نوجوانی است؛ ولی این همه تشابه و تأکید بر چنین مباحثی در فیلم‌ها به چه علت است؟ و چرا در سطح باقی می‌مانند و بیشترشان ابتر هستند؟ این چراها و دیگر سؤالاتی که بی‌پاسخ می‌مانند، نشان‌دهنده فیلم‌نامه‌هایی ضعیف‌اند که پاشنه آشیل سینمای ایران به شمار می‌آیند. در این فیلم که به سینمای نوجوان اختصاص دارد، مسئله بسیار مهمی مطرح شده و آن شهادت سردار قاسم سلیمانی است؛ اما حق مطلب ادا نشده و فیلم‌نامه به خوبی ساخته



در این فیلم بازی بازیگران با لهجه‌هایشان قابل قبول و باورپذیر است و به خصوص در نقش‌های فرعی با این زیست‌بوم سنخیت دارد



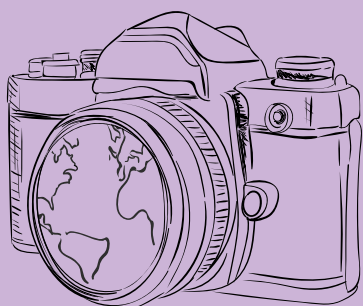
تهیه‌کننده: نازنین بیکری
کارگردان: نبی قلی‌زاده
نویسندگان: نبی قلی‌زاده، حامد مصفاei



خارج از گود



طی سال‌ها جنگ
در سوریه دختران
و پسران سوری از
کودکی محروم شدند
و به شکل بی سابقه‌ای
حقوق آن‌ها نقض شد
و کودکی‌شان به تاراج
رفت. در این مجموعه
تلخی جنگ را در کنار
شادی و بازی کودکان
به تصویر کشیدیم به
امید روزی که همه
کودکان جهان آرزوهای
رنگی خود را به تصویر
بکشند. این جشنواره نیز
بتواند میزبان فیلم‌های
کشورهای همسایه و
میهمان این کشورها
باشد.



با تشکر از: ایمان حجتی، مدیر اجرایی سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان، نفیسه قانین، شکبیا شیرازی، رضا جواهری، احمدرضا مراثی، زهرا کریمیان، مهدی قانونی، علیرضا پویان‌سب، پژمان ذکایی، نگین نکوفر، بهار رضوانی، مجید اسلام‌دوست، مهدی رفیع منزلت، یوسف نصر، مهدی سجاذزاده، مریم یآوری، حدیث قانعیان و هامون شیرازی

#نوستانری

طراح پوستر: استاد محمدعلی حدّت

- فیلم «دونده» ساخته امیر نادری
- فیلم «نگاهی دیگر» به کارگردانی حسین مختاری
- فیلم «دخترم سحر» ساخته مجید قاری‌زاده

